

هر آدمی یک بیر است

نویسنده "تام کلنسی" با همکاری ژنرال بازنشسته نیروی هوایی "چاک هورنر" ناشر جی. بی. پوتنم ساز-عضوی از شرکت پتگون پوتنم - چاپ اول ۱۹۹۹-۵۲۷ صفحه

کتاب "تام کلنسی" با همکاری ژنرال چاک هورنر در "هر آدمی یک بیر است" بر اساس جنگ خلیج فارس که در این کتاب "خلیج" نامیده میشود نوشته شده است. داستان با اشغال کویت توسط عراق آغاز میشود و با شکست و اخراج عراق از کویت پایان میابد. این واقعه شگفت انگیز و استثنائی تاریخ معاصر جهان به مانند داستانی نوشته شده است که بیشتر مواقع از زبان ژنرال توسط تام نوشته میشود و بعضی مواقع مستقیماً ژنرال مشاهدات خود را مینویسد.

کتاب چندین خط داستانی را دنبال میکند، از جمله زندگی چاک هورنر خلبان، اصلاحات نظامی که بعد از ناکامی آمریکا در ویتنام در نیروهای مسلح آمریکا اجرا شد و بنام "قانون تجدید سازمان بندی دفاعی گلدواثر-نیکلاس" خوانده میشود، فلسفی که نیروی هوایی در جنگ ویتنام بازی کرد و سرگذشت هورنر در آن، شکست عراق با جنگ هوایی و سلاح ها و بمب های هوشمند. گزارش لحظه به لحظه دفاع در صحرا و حمله در صحرا.

اطلاعات فراوانی درباره هواپیما و فیزیک حاکم بر آن و شخصیت لازم برای خلبان بودن در این کتاب به خواننده داده میشود. خلبانان جنگجوی هوایی بهترین احترام حرفه ای را در نیروی هوایی دارند و هر دانشجوی خلبانی خمیره خلبان جنگجو بودن را ندارد که آنها رده های حمل و نقل، بمب افکن و هلیکوپتر را بر میکنند. خلبانان جنگجو گروه ویژه ای از جنگجو ها هستند که دلیری، شجاعت، بی باکی، خطر کردن، هوشمندی، و توانائی تصمیم گیری لحظه ای زندگی و مرگ را دارند. خلبانان جنگجو با هبجان زندگی و مرگ مدام زندگی میکنند و برای خلبانان جنگجو درجه چندان بحساب نمی آید. رهبر گروه پرواز هواپیما های جنگنده خلبان جنگجویی است که مهارت و نبی کارکرد او به تجربه ثابت شده است.

چاک هورنر دو ایراد اساسی از سیاست نیروی هوایی در ویتنام میگوید یکی گردانیدن جنگ از واشینگتن که درک روشنی از میدان جنگ نداشتند بجای فرماندهان میدان جنگ که تمام عوامل شکست و پیروزی را از نزدیک میتوانند ببیند و لمس کنند. دوم محدود کردن دوره مأموریت جنگی خلبانان که نتیجه آن رفتن خلبانان با تجربه جنگی و آمدن خلبانان بی تجربه بود. پیشنهاد چاک هورنر نگه داشتن خلبانان با تجربه و بعد از مدت طولانی داوطلبانه و روشن بودن مأموریت که اگر میخواهید به خانه خود برگردید بهتر است اول جنگ را ببینید. ایراد دیگر این بود که در جنگ ویتنام نیروی هوایی میخواست به تمام خلبانان خود فرصت جنگیدن در ویتنام را بدهد. برای این منظور دوره های فشرده برای آموزش خلبانان قیره جنگی میگذاشت و با عجله خلبانانی را به میدان جنگ میفرستاد که برای آن آمادگی لازم را نداشتند و با اصلاً تحت فشار شرایط جنگ کارآمد نبودند و خود و کسانی را که به آنها متکی بودند بکشتن میدادند. ژنرال برای مدتی مسئول آموزش خلبانان پیش از رفتن به ویتنام بود. او خلبانان را به سه گروه تقسیم کرده بود. فارغ التحصیل های تازه دانشکده خلبانی که معمولاً آموزش را تند جذب میکردند و آماده برای عملیات میشدند. رده های سرگرد و سرهنگ که برای آموزش های جنگی سنشان زیاد بود و برای عملیات جنگی عموماً پازدارنده بودند.

گروه سوم تند روها بودند که برای پیشرفت زریگ نمائی میکردند که چاک معتقد بود آنها را میباید عقب نگه داشت.

قانون تجدید سازمان بندی دفاعی گلدواثر-نیکلاس در سال ۱۹۸۶ "مراکز فرماندهی" تشکیل داد که فرماندهان آن مستقیماً زیر نظر وزارت دفاع کار میکردند و فرمانده های نیرو ها روی آنها قدرتی نداشتند مگر از طریق وزیر دفاع. باین ترتیب فرماندهان میدان جنگ احتمالی برای عملیات خود استقلال داشتند و تحت فرمان یکی از روسای ستاد نبودند. به عنوانه نمونه نیروی هوایی وقتی یک بال جنگی را سازمان میدهد و آماده عملیات میشد، این بال جنگی در اختیار یکی از مراکز فرماندهی قرار میگرفت و از آن پس برای هر عملیاتی از آن مرکز فرماندهی دستور میگرفت نه فرمانده نیروی هوایی. ژنرال چاک هورنر فرمانده پایگاه نهم نیروی هوایی بود و در همان حال فرمانده نیروی هوایی "فرماندهی مرکزی" بود که از مصر تا پاکستان را مپوشاند و پایگاه های آن در

کشور های عربی خلیج فارس پراکنده بود و فرمانده "فرماندهی مرکزی" ژنرال "نورمن شوارتکف" بود. افسران "فرماندهی مرکزی" هرچند حمله عراق مفلس شده از جهت پولی را بعد از ۸ سال جنگ با ایران به کشور های عربی دوست خود امکان پذیر میدانستند اما وقتی اتفاق افتاد شگفت زده و دست پاچه شدند. بگفته چاک هورنر در اولین روز ها و هفته ها بعد از اشغال کویت توسط عراق، چنانچه حمله آن به عربستان و سایر شیخ نشین ها ادامه پیدا میکرد نیروی نظامی که بتواند ارتش عراق را متوقف کند وجود نداشت و در اولین روز های اشغال کویت طرح او برای کند کردن پیشروی ارتش عراق متمرکز بود. در دورانی که آمریکا در کار ساختن گروه همکاری میان ملت ها از طریق سازمان ملل متحد بود، تا ارتش های ملت های مختلف را برای اخراج عراق از کویت راضی کند ژنرال چاک هورنر جانشین شوارتکف در فرماندهی مرکزی در عربستان بود و مشغول به سازمان دهی نیروهای آمریکائی و سایر ملت ها در کویت و عربستان بود.

تام کلنسی گزارش دقیقی از روز های آمادگی نیروهای نظامی ملت های مختلف برای دفاع از عربستان و سرانجام جنگ با عراق میدهد. به گزارش تام فعالیت های سیاسی که منجر به خارج شدن عراق از کویت میشد و به عراق اجازه میداد تا ارتش و وسایل نظامی فراوان خود را حفظ کند برای غرب قابل قبول نبود. سرانجام محاسبات ابله هانه صدام حسین به غرب اجازه داد تا جنگ نابود کننده هوائی را بر علیه او شروع کند. تام کلنسی در این کتاب به روشنی نشان میدهد که چگونه نیروی هوائی به فرماندهی ژنرال چاک هورنر وسایل نظامی ارتش عراق را نابود میکند و نظامیان عراقی برای حفظ جان خود نزدیک تانک ها، توپخانه و وسایل نقلیه نمی خوابیند و یا استراحت نمیکردند تا با آنها نابود نشوند. ژنرال هورنر درس های جنگ ویتنام را در این جنگ بکار میندود و به شوارتکف صراحتاً میگوید هرگز تا او فرمانده نیروی هوائی این جنگ است اجازه نخواهد داد واشینگتن در عملیات جنگی دخالت کند. هم چنین او همواره مراقب است در کار افسران تحت فرمان خود دخالت نکند تا آنها قدرت ابتکار و تصمیم گیری خود را ترک نکنند و برای این منظور بگفته خودش بارها زبان خود را گاز گرفته بود تا به خلبنانی در حین عملیات دستوری ندهد.

در این کتاب ژنرال نشان میدهد که جنگ هوائی برای او نابود کردن مراکز فرماندهی و ارتباطات نیروهای عراقی بود، از بین بردن زیرسازه نظامی صدام حسین بود، نابودی وسایل جنگی مانند تانک، توپ، و وسایل نقلیه بود. برای این منظور ژنرال در روزهای اول جنگ برتری هوائی خود را به عراق تحمیل کرد. نیروی هوائی عراق که نه در هوا و نه در زمین در امام بود راه فرار به ایران را در پیش گرفت. مراکز رادار ضد هوائی عراق به محض روشن کردن رادارهای خود موقعیت شان توسط هواپیما های آواکس معین میشد و توسط بمب های هوشمند بمب افکن ها بمباران میشدند. هواپیما های سوخت رسان مانند پمپ بنزین های هوائی در مرز کویت، عراق و عربستان همواره در حال پرواز بودند و به هواپیما هائی که برای بمباران و یا گشت هوائی به عراق میرفتند و یا از مأموریت خود برمیگشتند سوخت میرساندند و در بعضی مواقع برای سوخت رسانی به هواپیما هائی که سوختشان رو به پایان بود وارد خاک عراق میشدند و گاهی هواپیما های جنگنده آنها را نگهداری میکردند.

ژنرال همواره نگران خوردن ضربه های جنگی پیش بینی نشده بود و بیشتر موفقیت خود را مدیون ساختار نظامی ارتش عراق میدید که استقلال عمل را از فرمانده هان میدان جنگ میگرفت و آنها را وادار میکرد منتظر دستور از بغداد باشند. جنگ خفجی که عراق در آن چهار تا از بهترین لشکر های خود را بمیدان آورد که از ۴۰۰۰۰ نفر تشکیل میشد قبل از اینکه به مرز عربستان برسد توسط نیروی هوائی نابود شد. و یک بار دیگر نشان داده شد که نیروی هوائی سرنوشته این جنگ را تعیین میکند.

ژنرال هوائی چاک هورنر از زبان خودش

آزادی مطبوعات

صفحه ۲۱۹- ما در غرب گرفتار آزادی مطبوعات هستیم. برای مادر ارتش همیشه رفتار کردن با رسانه ها کار آسانی نیست، اما رسانه ها خوشبختی نهائی ما و شکوه جاودانه ما هستند. --- پسران پیر سعی خواهند کرد بتو بگویند ما جنگ ویتنام را باختیم چون اخبار شب نشان داد که پسران آمریکا دهکده ها را میسوزاند و به مردمان پیر تیراندازی میکنند. واقعیت را بگیرید. ما در ویتنام باختیم برای اینکه ما در سرزمین وحشی هدف ها، مأموریت ها و سیاست ها سرگردان بودیم؟ و در این جریان ما به این باور

رسیدیم که آتش زدن دهکده ها و تیراندازی به مردمان پیر کار درستی است. معنی اثری، ان، ان ایست که اینبار خدا از بالای شانه های ما نگاه میکند، و من فکر میکنم که این یک خوشبختی است. ضربه خوردن لذت بخش نیست، اما در نهایت بهترین انسان را بیرون میآورد وقتی که او بدترین کار را میکند که راه انداختن جنگ است.

شخصیت خاکی و فروتنانه چاک هورنر همواره در گفتارهایش نظر انسان را جلب میکند و کاملاً روشن است که او آدم متکبری نیست و بخاطر ستاره‌های که روی دوشش است خود را کم نکرده است و میداند مقام او برای همیشه نیست و اثری که بر اطرافیان خود میگذارد برای او بیشتر مهم است. نمونه، در جواب هایی که او احتمالاً باید به خبرنگاران میداد: .. بدتر از آن چگونه من از عهده سوال هایی که جواب آنها را نمیدانستم بربایم، که مرا بصورت یک احمق گهی نشان میداد؟ (مطمئناً، من یک ابله گهی هستم اما من نمیخواهم تمام دنیا در تلویزیون ببیند که من آن را ثابت میکنم و از آن لذت ببرم.) صفحه ۲۲۱. برای سربازان، ملوانان، هوانوردان ترس از رسانه های گروهی بمانند بخشی از کار تعریف شده آنها است. تنها خدا میداند چرا؟ وقتی در باره اش فکر کنی، اگر تو می توانی به روزنامه ها و مفسران تلویزیونی اعتماد کنی که حقیقت را بگویند، که من میکنم، بنابراین، این رسانه های گروهی نیست که ما از آن میترسیم بلکه مردم آمریکا است... تفسیر غم انگیزی از تعقل تثبیت شده نظامی ما، صفحه ۲۲۲.

ظرفیت روشنفکرانه، فیلسوفانه و هوشمندانه نظامیان آمریکایی در این کتاب خود را بخوبی نشان میدهد. ژنرال هایی که هر کدام فوق لیسانس و دکترائی از یکی از دانشگاه های معتبر آمریکا در تاریخ، جامعه شناسی، مهندسی... دارند که آموزش نظامی آنها را کامل کرده است. رده های پائین سرباز حداقل دیپلم دارند و کادر درجه دار آن بخاطر آموزش فنی و مدیریت و اخلاق کاری خود از آنچنان وجهی در بخش خصوصی برخوردارند که بهترین شانس استخدامی را دارند. و از همه مهمتر زندگی سربازی یک تعهد برای تمام زندگی نیست و خارج شدن از ارتش آسانتر از وارد شدن به آن است. ارتش با دادن این اختیار به کادراهایش، ارتشی با پرسنل با علاقه و با انضباط نکه میدارد و هسته منسجم خود را هموار حفظ میکند. دو گروه عمده بر سیاست و صنعت آمریکا بیشتر از سایر گروه ها مسلط هستند که وکلا و نظامیان هستند و هر دو از ظرفیت روشنفکرانه و نو گرای قابل ملاحظه ای برخوردارند. و شعار مدارس نظامی را آمریکائی را فراموش نکنیم که "شرف، وظیفه، شجاعت" است.

این کتاب برای خواننده ایرانی از چند جهت مفید است که مهمتر از همه آنها آزادی از جهان بینی سنتی حزب الهی و کمونیستی است که ادبیات تاریخ معاصر ایران را شکل داده است که جزئی از آن ضد آمریکائی بودن است. این کتاب ارزش کلاسیک نظامی از دو جهت ساختار ارتش آمریکا و جنگ خلیج فارس را دارد. برتری تکنولوژی پیشرفته بر ارتش های متکی به توده ها را نشان میدهد که باید نظر ارتش های خلفی چین و ایران را جلب کند. ۱۹-۲۰۰۱-۱